

## پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی با تأکید بر برنامه درسی پنهان

حسین واحد چوکنده<sup>۱</sup>، عباسعلی حسین‌خانزاده<sup>۲</sup>، ایرج شاکری‌نیا<sup>۳</sup>، سیده‌زهره سیدنوری<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۳۰

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی با تأکید بر نقش برنامه درسی پنهان از دیدگاه دانشجویان در دو مرحله کمی و کیفی انجام شد. روش این پژوهش در بعد کمی، توصیفی، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۳۹۴ بود (۳۵۰۳ نفر). نمونه پژوهش در مرحله اول تعداد ۲۸۳ نفر از دانشجویان سه رشته روان‌شناسی، مشاوره و ادبیات فارسی در سه مقطع ترم اول، چهارم و ترم آخر بود، که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که روایی آن با نظرخواهی از متخصصان و اعتبار آن از طریق آلفای کرونباخ (مقدار آلفا ۰/۸۵) محاسبه شد. در مرحله دوم با استفاده از روی آورد کیفی نگر، یکایک مؤلفه‌های برنامه درسی شامل هدف، استاد، دانشجو، محیط فیزیکی، زمان‌بندی، محتوی، روش تدریس، ارزشیابی و قوانین و مقررات با اتکا بر الگوی خبرگی و نقادی آیزنر مورد بررسی قرار گرفت و عوامل موثر بر پیشگیری از اعتیاد دانشجویان با تأکید بر برنامه درسی پنهان کالبدشکافی شد. نتایج نشان داد از بین عوامل اثرگذار بر برنامه درسی پنهان در پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی، همراهی با دیگر دانشجویان (در شرایط زندگی خوابگاهی) بیشترین تأثیر و میل به تجربه و استفاده از مواد توهم‌زا کمترین تأثیر را در پیشگیری از اعتیاد دانشجویان دارد. بنابراین دوره‌های شناخت‌درمانی و آموزش راهبردهای مقابله برای دانشجویان در معرض خطر پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** پیشگیری از اعتیاد، محیط‌های آموزشی، برنامه درسی پنهان

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، پست الکترونیک: hosein\_vahed2012@yahoo.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

۳. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه گیلان

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه گیلان

## مقدمه

پدیده اعتیاد در جهان امروز به صورت یک معضل خانمان‌سوز باعث از هم پاشیده شدن بسیاری از خانوارها، به انحراف کشیده شدن بسیاری از جوانان و نوجوانان، شیوع بسیاری از بیماری‌ها و ضررهای فراوان اقتصادی و مرگ و میر شده است (اسعدی، ۱۳۸۱). در واقع اعتیاد به مواد مخدر و داروهای غیر مجاز در چند دهه گذشته بسیار فراگیر شده است و این امر حاکی از بروز یک مشکل جدی در سلامت جسمی، روانی و اجتماعی است. مصرف مواد و عوارض پر دامنه و ناخوشایند آن، جای تأمل بسیار دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۹). اهمیت این تأمل با در نظر گرفتن جمعیت جوان کشور بیش از پیش مطرح می‌شود (قریشی و شجری، ۲۰۱۳). مشکلات مرتبط با مصرف مواد شامل جرم و جنایت، سرقت، تجاوز، قتل، فروپاشی خانواده، از دست دادن شغل و رفتارهای پر مخاطره جنسی (آبالوا، آگون ول و اکین هانمی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳) اثرات منفی بر سلامت فردی، خانوادگی، آموزشی و شغلی ایجاد، و زیان‌های مالی و بار اجتماعی سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کند (قریشی و شجری، ۲۰۱۳). با وجود هشدارهای پزشکی، اجتماعی، انتظامی و مذهبی، متأسفانه مشکل سوء مصرف مواد مخدر، اختلال‌های ناشی از مصرف مواد و اعتیاد، یکی از مشکلات جدی موجود در جامعه جهانی امروز، ارزیابی می‌شود. اعتیاد در لغت به معنی خود را به عادت‌های نكوهیده وقف کردن است. به عبارت دیگر، ابتلاء اسارت‌آمیز به ماده مخدر که از نظر جسمی یا اجتماعی زیان‌آور شمرده می‌شود، اعتیاد نام دارد. اعتیاد مهم‌ترین آسیب اجتماعی است که ریشه در عوامل اجتماعی و روانی مختلفی دارد و متقابلاً بر روان فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد. به طوری که بهرامی احسان (۱۳۸۸) معتقد است اعتیاد پدیده روانی اجتماعی است که دلایل آن در روابط خانوادگی، مناسبات اجتماعی، شرایط اقتصادی و فرهنگی و در نهایت ویژگی‌های روان‌شناختی فرد معتاد نهفته است. در اغلب موارد، مجموعه‌ای از عوامل در ایجاد گرایش به مواد مخدر نقش دارند که

مهم‌ترین آن‌ها در تحقیق لاجوردی و همکاران (۱۳۸۹)، عوامل محیطی و اجتماعی، عوامل خانوادگی، بیماری‌های جسمی، اختلال‌های روانی، فشارهای روانی، ویژگی‌های شخصیتی فرد، مشخص شده است و این عوامل به اندازه‌ای به هم تنیده‌اند که جدا کردن آن‌ها از یکدیگر غیرممکن می‌نماید. از عواملی که در بهداشت روان و کاهش اختلال‌های روانی نقش چشم‌گیری دارد، وجود معنا در زندگی است که بهزادی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) به آن پرداخته و گزارش کرده‌اند که بین معنابخش بودن زندگی و بهداشت روانی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. وقتی هدف از زندگی مشخص باشد، فرد دچار احساس پوچی، بیهودگی، ناامیدی و دل‌سردی نمی‌شود و توانایی بیشتر برای مقابله با سختی‌ها و شکست‌ها پیدا می‌کند. اعتیاد اغلب به‌دنبال موارد یادشده پدید می‌آید. در گزارش قدم‌پور و پاریاد (۱۳۸۸) مشخص شده است که میزان خودکشی و مصرف مواد مخدر در دانشجویان مجرد بیشتر از دانشجویان متأهل است و دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر بیشتر در معرض خطر مصرف مواد قرار دارند. به‌نظر می‌رسد ماهیت انتقالی زندگی بسیاری از دانشجویان، تجربه در معرض فشار روانی بودن را برای آن‌ها به‌همراه دارد. بدین ترتیب بسیاری از دانشجویان به‌منظور کاهش فشار روانی به مواد مخدر روی می‌آورند. تقویت نگرش‌های مذهبی به‌عنوان یکی از محافظت‌کننده‌ها، در برابر آسیب‌ها و ارتقاءدهنده سلامت روان در دانشجویان است (ترقی‌جاه و نجفی، ۱۳۸۸). یافته‌های خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که دانشجویان مستعد سوءمصرف مواد مخدر نسبت به دانشجویان غیرمستعد مواد، دارای سطح پایین‌تری از دینداری و خود-کنترلی هستند. دانشجویان غیربومی به‌طور معناداری از حمایت اجتماعی و سلامت روانی کمتری برخوردار هستند. دانشجویان غیربومی با توجه به شرایط ویژه خوابگاهی، بیش از سایر دانشجویان در معرض خطر هستند. چون علاوه بر بیشتر بودن مشکلات، از حمایت اجتماعی کمتری برخوردارند. این دانشجویان برای سازگاری با محیط و کنار آمدن با شرایط زندگی خوابگاهی، از راهبردهای هیجانی، بیشتر استفاده می‌کنند که خود می‌تواند تبعاتی هم چون بالارفتن سوءمصرف مواد مخدر داشته باشد (ظفرکارگر یزدی، ۱۳۸۹).

هویت مغشوش و هویت از دست رفته به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده سوءمصرف مواد مخدر مشخص شده‌اند. هرچه هویت فرد، فاقد عناصر بیشتری از کاوش و تعهد نسبت به اهداف مهم زندگی باشد، انجام رفتارهای پرخطر از جمله مصرف مواد را بیشتر تبیین می‌کند (سماوی، ۱۳۸۸).

از عوامل اعتیاد در محیط‌های آموزشی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود تبعیض‌ها در مدارس، بی‌توجهی به نیازهای آموزشی دانشجویان، وجود مدیریت منفصل، نداشتن برنامه بازدارنده از اعتیاد در محیط‌های آموزشی، ناآشنایی با عواقب زیان‌بار اعتیاد، نبودن مشاوران آگاه به مسائل دانشجویان، فقدان برنامه‌ریزی هدف‌مند برای پرکردن اوقات فراغت، دوستان ناباب، پای‌بند نبودن به مسایل مذهبی، مشکلات روحی و روانی دانشجویان و نداشتن تحمل شرایط سخت، گستردگی حریم‌های آموزشی و نبود کنترل دقیق بر عملکرد آنان، برخورد نکردن با مصرف‌کنندگان مواد در محیط‌های آموزشی، وجود مراکز یا محیط‌های فساد در کنار دانشگاه‌ها، آلوده‌بودن عده‌ای از دانشجویان و همچنین اساتید به مواد مخدر (اسعدی و اسعدی، ۱۳۸۹). بنابراین پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر، شبیه به پیشگیری از بیماری است و نیاز به شناسایی علل و عوامل درگیر دارد (نیک‌منش، آدروم و بخشایی، ۲۰۱۲). پیشگیری در فرهنگ لغت، به‌معنی جلوگیری از وقوع چیزی یا کاری است و در اصطلاح هر رشته‌ای از علوم با موضوع آن ترکیب می‌شود. در رابطه با اعتیاد، منظور از پیشگیری، دربرگیرنده مفاهیمی چون: جلوگیری از آغاز سوءمصرف مواد مخدر و روان‌گردان؛ پیشگیری از ازدیاد مقدار سوءمصرف ماده مورد اعتیاد، جلوگیری از تغییرات الگویی سوءمصرف از مواد کم‌خطر به مواد پرخطر و از سنین بالا به سنین نوجوانی و پایین؛ کاستن از عوارض زیان‌بار مواد اعتیادآور؛ پیشگیری از بازگشت به سوءمصرف افراد در حال ترک اعتیاد (اسعدی و اسعدی، ۱۳۸۹).

واژه پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی به‌مفهوم به‌کارگیری مجموعه مداخله‌های هدف‌مند و مؤثر برای کاهش بروز اعتیاد است و براساس استانداردهای علمی شامل موارد زیر است:

۱. ایجاد تنفر از مواد اعتیادآور در دانش‌آموزان و دانشجویان و مداخله به منظور خودداری از تکرار مصرف و جلوگیری از اعتیاد است.

۲. ایجاد آگاهی در دانش‌آموزان و دانشجویان از خطرات اعتیاد، آموزش علل گرایش به آن، پرورش افکار عمومی و اعتلای سطح فرهنگ و توجه به نیازهای اجتماعی (کریمی، ۱۳۸۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد پیشگیری باید در کنار مبارزه با عرضه و رویکرد درمانی مورد توجه قرار گیرد. روش‌های پیشگیری اولیه عبارتند از: کاهش عوامل مخاطره‌آمیز، افزایش مقاومت فرد، جلوگیری از سرایت بیماری (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۹). برای برنامه‌ریزی راه‌های مؤثر در پیشگیری از اعتیاد، ابتدا باید علل و عوامل مؤثر در شروع مصرف و اعتیاد به مواد را در نوجوانان و جوانان شناخت. عوامل ژنتیکی، شخصیتی، پیسکویاتولوژیک، خانوادگی، محیط و اجتماعی همگی در اتیولوژی سوءمصرف و سپس اعتیاد مؤثر هستند. هر برنامه پیشگیری به شناخت دقیق منطقه، بررسی کامل بهداشتی و روان‌شناختی و بررسی‌های همه‌گیرشناسی بستگی دارد تا به این وسیله عوامل مؤثر بر مصرف مواد آشکار شود (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۸۹). عده‌ای از محققان معتقدند که در میان تمام برنامه‌های پیشگیری در مدارس و دانشگاه، مؤثرترین و دسترس‌ترین برنامه‌ها، برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی است. این برنامه یک رویکرد تازه برای پیشگیری است که در وهله اول، بر عوامل عمده‌ی اجتماعی روانی سوق‌دهنده نوجوان به شروع مصرف مواد تمرکز دارد و تأکید عمده این برنامه بر رشد مهارت‌های شخصی و اجتماعی است. یافته‌های عبداللهی و گلزاری (۱۳۸۹) و یافته‌های باقری (۱۳۸۱)، رحمتی (۱۳۸۳)، محمدخانی (۱۳۸۵) بوترین و همکاران (۱۹۹۵) به نقل از عبداللهی و گلزاری (۱۳۸۹) و طارمیان (۱۳۷۸)، اجرای مجموعه آموزش‌های مهارت‌های زندگی را بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر، مؤثر نشان داده‌اند. محمدی‌فر و همکاران (۱۳۸۹) نیز گزارش می‌کنند بین مهارت‌های زندگی و آسیب‌پذیری نسبت به مصرف مواد در دانشجویان رابطه منفی و معناداری وجود دارد و از

بین مهارت‌های ده‌گانه زندگی، مهارت‌های مقابله با هیجان‌ها، تفکر خلاق و ارتباط مؤثر، نقش معناداری در آسیب‌پذیری نسبت به مواد دارند. عامل دیگری که در پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر مؤثر گزارش شده است، امور مربوط به خود از جمله حرمت خود، خودباوری و جرأت‌ورزی است. جرأت‌ورزی را لنج و جاکوبرسکی (۱۹۷۶) شامل حق خود و ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به‌نحو مناسب، مستقیم و صادقانه می‌داند به نحوی که خود و دیگران را زیر پا نگذارد (محمدی، ۱۳۸۳).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان الگوهای کلی پیشگیری را در راهبردهای یادگیری، تحول رفتاری و ارتباطی خلاصه کرد:

- وجود محل استراحت و امکانات مناسب محل استراحت دانشجویان اگرچه مستقیماً در ارائه خدمات دانشگاه نقش اساسی را به عهده ندارد، اما در صورت نامناسب بودن خوابگاه‌ها و آسایش‌گاه‌ها و یا نامناسب بودن امکانات جانبی باعث می‌شود تا فرد احساس آرامش و آسایش خود را در زمان استراحت از دست بدهد و در نتیجه برای جبران آن اقدام به رفتارهایی از قبیل اعتیاد کند که گاهی در راستای اهداف آموزش نباشد.
- آگاهی کامل از ضرورت تحصیل، به‌طور مستقیم با آموزش رابطه دارد و هر فرد برای انجام هرگونه رفتار باید آموزش آن رفتار را دیده باشد، اگر دانشجویان ضرورت تحصیل را ندانند و به مصرف مواد مخدر روی آورند توسعه کشور رو به زوال و نابودی حرکت می‌کند.
- عدم تبعیض بین دانشجویان، همه افراد دارای خصوصیات و توانایی‌های بخصوصی هستند که این امر باعث تبعیض بین دانشجویان فعال و غیرفعال می‌شود، که در این صورت ممکن است فرد اقدام به رفتارهای نابهنجار از جمله مصرف مواد مخدر کند که هم به خود و هم به محیط خود لطمه می‌زند.
- توجه ویژه دانشگاه به اساتید و دانشجویان، ضرورت دارد که دانشگاه برای افزایش کارایی خود بر عملکرد اساتید و دانشجویان نظارت کند، تا باعث افزایش

رفتارهای مناسب در دانشگاه و هم زمینه‌ساز کاهش رفتارهای مخل و نامناسب از جمله اعتیاد شود.

• توجه به مشکلات روحی و روانی دانشجویان، از جمله توجهات دانشگاه، توجه به مشکلات روانی و روحی دانشجویان است. در صورتی که توجه و ارتباط مستمر بین اساتید نباشد دانشجو دچار آسیب شده و احتمال بروز رفتارهای نابهنجار از جمله مصرف مواد مخدر در آنان متصور است.

• رعایت عدالت در دانشگاه، نظر به این که تحصیل در دانشگاه‌ها و اخذ مدرک تحصیلی در کشور ما برای داشتن شغل مناسب و آبرومند الزامی است، بنابراین در صورتی که عدالت و مساوات در نهادها و سازمان‌ها رعایت نشود انگیزه تحصیل کاهش یافته و آمادگی روانی آنان جهت هر چه بهتر انجام دادن وظایف خود تحلیل یافته و تحدید شده و زمینه‌ساز بروز اعتیاد می‌شود.

• رعایت شایستگی در به کارگیری اساتید در دانشگاه‌ها، در صورتی که به کارگیری اساتید در دانشگاه‌ها مبتنی بر عدالت و شایستگی باشد کارایی اساتید در ارائه خدمت افزایش می‌یابد، در غیر این صورت کارایی کاهش یافته و آسیب اجتماعی برای خود و دانشگاه به همراه دارد (بهرامی احسان، ۱۳۸۸).

آنچه گذشت نقش بسیار مؤثر مدرسه و دانشگاه را در برنامه‌های پیشگیری به تصویر می‌کشد. باید توجه داشت که ایفای نقش توسط مدرسه و دانشگاه، فعالیتی چندجانبه است که کفایت با توجه به جوانب مختلف و بادر نظر گرفتن عوامل متعدد و متنوع شکل یابد. این یک واقعیت است که دانش‌آموزان و دانشجویان تنها از طریق کتاب‌های درسی و برنامه‌های درسی رسمی، نمی‌آموزند. بلکه تحت تأثیر اطلاعات و رفتارهای گوناگونی قرار می‌گیرند که از محیط وسیع پیرامونی به آنها عرضه می‌شود. بنابراین با جای دادن برخی آموزش‌ها در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی رسمی، نمی‌توان انتظار داشت که تغییرات همه‌جانبه و ژرف در آنان به وجود آید و اهداف آموزشی و از جمله اهداف پیشگیری از اعتیاد به‌طور کامل تحقق یابد. از این‌رو توجه به برنامه درسی پنهان ضرورت می‌یابد.

در طول تاریخ برنامه درسی، تلاش‌های زیادی از سوی صاحب‌نظران این رشته صورت گرفته که موجب غنای هرچه بیشتر آن شده است. از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها که از مفاهیم و مباحث نسبتاً تازه و ارزشمند برنامه درسی است، برنامه درسی پنهان است که وجودش در کنار برنامه درسی رسمی یا آشکار، از ضرورت توجه به تمامیت آنچه دانش‌آموزان و دانشجویان در اثر حضور در متن نظام رسمی آموزش تجربه کرده و می‌آموزند، حکایت دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۱). برنامه‌های درسی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اهداف و رسالت‌های کلی آموزش عالی هستند و باید پاسخگوی شرایط و دغدغه‌های فعلی و آینده جامعه باشند و نقش سازنده‌ای در راستای حل مسایل و رشد فراگیران ایفا کنند (خاقان‌زاده و فتحی‌واجارگاه، ۲۰۰۸). برخلاف تصور رایج، برنامه درسی مدارس، یک پدیده تک‌بعدی و فقط مهد اجرای برنامه‌های صریح نیست، بلکه به‌جز برنامه درسی صریح که حاوی هدف‌ها، محتوا و روش‌های آشکار و منتشرشده مورد حمایت نظام آموزشی یا همان برنامه درسی رسمی است، برنامه درسی پنهان نیز آموزش داده می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۱). به‌عبارت دیگر، عواملی وجود دارند که جزء برنامه درسی نیستند و از دید و مشاهده برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت نیز پنهان هستند، اما در فکر، عواطف و رفتار فراگیر اثر دارند و حتی در اغلب موارد، مؤثرتر از برنامه درسی رسمی عمل می‌کنند. قوانین و مقررات مدرسه، جو اجتماعی مدرسه و رابطه رویارویی معلم و دانش‌آموزان از اهم این عوامل هستند. اثرگذاری این عوامل، باعث شکل‌گیری نگرش و گرایشی در فراگیر است که در ادبیات برنامه درسی، این تأثیرات را برنامه درسی پنهان می‌نامند (فلاح و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع برنامه درسی به‌منزله ظرف و ظرفیتی در نظر گرفته شده است که کارکردهای چندگانه پیدا کرده و درصدد برآمده تا همه اتفاق‌های آموزشی آشکار و پنهان را درخود جای دهد (تقی‌پور و غفاری، ۲۰۰۹). در اوایل دهه ۱۹۸۰م، متخصصان برنامه درسی همچون آیزنر و میلر (نقل از کریمی، ۲۰۱۲) موفق به طراحی و ارائه نظام متاثوریک درخصوص برنامه درسی شدند که موجب ارائه مفاهیم دقیق و فراگیر برنامه درسی در سه مقوله کلی برنامه درسی آشکار (صریح)،



برنامه درسی پنهان (مستتر) و برنامه درسی عقیم (پوچ) را فراهم کردند.

در مورد مفهوم برنامه درسی پنهان الفاظ و عبارات گوناگونی همچون، برنامه درسی پنهان غیرمدون، نهان، نامشهود، نانوشته، پیش‌بینی نشده، نامرئی، نتایج غیرعلمی یا غیر آکادمیک نظام آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. تعاریف و تحلیل‌های ارائه شده در این زمینه، نشان‌دهنده توجه صاحب‌نظران مختلف بر ابعاد گوناگون موضوع است. از دیدگاه ردیش<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، برنامه درسی پنهان عبارت است از ارزش‌های ضمنی، رفتارها و هنجارهایی که در نظام آموزشی وجود دارد اما به صراحت در اسناد رسمی مکتوب بیان نشده است. برنامه درسی پنهان عبارت است از: راهبردهای دانش‌آموز در عبور از مانع برنامه درسی رسمی یا طرح‌ریزی شده (ملکی، ۱۳۸۵). آیزنر (نقل از ملکی، ۱۳۸۱)، در تعریف برنامه درسی می‌گوید: برنامه درسی عبارت است از یک سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش‌آموز پیش‌بینی شده است. اسکلتون (نقل از فتحی و اجارگاه و واحد، ۲۰۰۶) برنامه درسی پنهان را مجموعه‌ای از پیام‌های مربوط به دانش، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری و نگرش‌هایی می‌داند که یادگیرنده در طول فرایندهای آموزشی به‌طور ضمنی تجربه می‌کند. برنامه درسی پنهان به پیامدهای ثانوی نظام آموزشی و دامنه وسیعی از نتایجی که برنامه درسی رسمی می‌تواند سبب وقوع آن شود اشاره دارد (جکسون، ۱۹۸۶، به نقل از روحی، ۱۳۸۳). برنامه درسی پنهان در یک محیط آموزشی اشاره به جو عاطفی و شرایطی نانوشته دارد که دارای بیشترین اثر بر ارزش‌ها و عواطف مخاطبان یادگیری است (کاظمی و مهram، ۲۰۱۱) و چه بسا توجه نکردن به آن، آسیب‌های تربیتی جبران‌ناپذیری را به فراگیران وارد کند (صالحیان، ۲۰۱۰). جیرو (۱۹۸۳، به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳) معتقد است که برنامه درسی پنهان به انتقال ضمنی آن دسته از هنجارها، ارزش‌ها و طرز تلقی‌ها که منتج از روابط اجتماعی مدارس و کلاس درس است، می‌پردازد. اهمیت بررسی آثار برنامه درسی پنهان به دلیل ماندگاری و پایداری یادگیری‌هایی است که تولید می‌کند (بایان‌فر و همکاران،

۲۰۰۹). اُسبروکس (۲۰۰۲)، بهترین شکل برنامه درسی پنهان را در پرورش کنجکاو عقلانی و رشد عاطفی خلاصه کرده است که فرصت‌هایی را برای کشف علایق و توسعه قابلیت‌های جدید فراهم می‌آورد. جکسون (نقل از فتحی و اجارگاه و واحد، ۲۰۰۶) در اهمیت برنامه درسی پنهان بیان می‌کند که این برنامه بر مهارت‌های خاصی تأکید می‌ورزد، فراگیران می‌آموزند که آرام و منضبط بمانند، خویشتن‌دار باشند، تلاش کنند وظیفه خود را کامل انجام دهند. شلوغ نکنند و مؤدبانه رفتار کنند. کارکردگرایان، برنامه درسی پنهان را شامل تأثیرهایی می‌دانند که نظام مدرسه در جهت سازگاری افراد با نظام اجتماعی، در قالب مهارت‌ها، دانش و ارزش‌های اجتماعی، نقش آفرینی می‌کند (خسروی و باقری، ۲۰۰۸). براساس این تعریف، تمام مؤلفه‌های موجود در یک نظام آموزشی که می‌توانند جو عاطفی پیرامونی یادگیرنده‌ها را متأثر کنند، در شمول برنامه درسی پنهان قرار می‌گیرند (کاظمی و مهram، ۲۰۰۹). لمپ و سیل (۲۰۰۴) در بررسی محتوای برنامه درسی پنهان و نحوه در معرض قرارگرفتن دانشجویان پزشکی به این نتیجه رسیدند که تعهد و پایبندی اساتید به تدریس، برقراری ارتباط با دانشجویان، بیماران و همکاران بسیار بالا است. گلکین (۲۰۰۷) معتقد است بین آنچه آن‌ها یاد می‌گیرند تمایز اساسی وجود دارد که بیان‌گر برنامه درسی پنهان بوده و دربرگیرنده‌ی یادگیری در سطح تعامل‌های بین‌فردی است. تقوایی یزدلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود ضمن بررسی جایگاه برنامه درسی پنهان و مطلوب بودن مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان (روش تدریس، روش ارزشیابی، تعامل‌های استاد و دانشجو، فضای کالبدی، قوانین و مقررات و تفکر انتقادی) در دانشگاه علوم پزشکی کاشان نشان دادند که اقدام در جهت برنامه‌ریزی مطلوب عناصر آشکار برنامه درسی، به افزایش پیامدهای مثبت آن در قالب عناصر پنهان برنامه درسی منجر خواهد شد. فریدی (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه برنامه درسی پنهان در تربیت دینی دانش‌آموزان نقش دارند. حداد علوی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان طی یادگیری‌های مدرسه‌ای، برنامه‌های درسی پنهانی را فرامی‌گیرند که در جهت مخالف مؤلفه‌های روحیه

علمی (از جمله تقویت روحیه انفعال و ترس به جای پرسش‌گری و نقادی) قرار دارند. برخی نتایج محققان دیگر نیز بیانگر آن است که مؤلفه‌های روابط موجود در مدرسه، ساختار سازمانی، جو اجتماعی و ساختار فیزیکی بر منضبط‌ساختن دانش‌آموزان تأثیر دارد (حاجی، ۲۰۰۸). یافته‌های پژوهش بروغنی (۱۳۹۰) نشان داد که مؤلفه معلم و راهبردهای تدریس، بیشترین تأثیر را بر عواطف دانش‌آموزان دارند. امینی و همکاران (۱۳۹۱) با بررسی «رابطه برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان» به معناداری رابطه در تمامی مؤلفه‌ها از جمله روش‌های تدریس و ارزشیابی و نیز قوانین و مقررات پی بردند. همچنین در تحقیقی که با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در هویت دانشجویان در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد، مؤلفه‌های استاد، دانشجو، مکان فیزیکی، روش تدریس، روش ارزشیابی، محتوا و قوانین و مقررات از جمله عوامل برنامه درسی بودند که نقش آن‌ها در کاهش هویت ملی دانشجویان بررسی شد. طبق یافته‌های تحقیق، هویت علمی در میان دانشجویان به‌طور معناداری کاهش یافته است و در این زمینه مؤلفه‌های برنامه درسی نقش اساسی داشته‌اند (مهرام، ۲۰۰۶).

بدین ترتیب با توجه به آنچه درباره اعتیاد و پیشگیری از آن و نقش برنامه درسی پنهان و آثار و ابعاد مختلف آن ارایه شد، هدف از پژوهش حاضر این است که ابتدا نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان را در پیشگیری از اعتیاد براساس دیدگاه دانشجویان بررسی کند، سپس، اولویت‌بندی مؤلفه‌ها مشخص شود. بنابراین، پژوهش حاضر در واقع به دنبال پاسخ‌دهی به سؤالات زیر است:

نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در پیشگیری از اعتیاد براساس نظرات دانشجویان دانشگاه گیلان کدام است؟ کدام یک از مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در پیشگیری از اعتیاد از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

## روش‌شناسی

روش مطالعه، ترکیبی از دو روش کمی و کیفی است. بدین معنا که فرایند پژوهش در دو مرحله متوالی صورت گرفته و در مرحله نخست (مبتنی بر مطالعه کمی) با شیوه زمینه‌یابی،

نگرش دانشجویان در سه گروه دانشجویان شاغل به تحصیل در اولین، چهارمین و آخرین نیمسال تحصیلی بررسی شد. این دانشجویان از میان سه رشته روان‌شناسی، مشاوره و زبان و ادبیات فارسی انتخاب شدند و به پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دادند. برای بررسی روایی این پرسشنامه از نظرات متخصصان استفاده شد و اعتبار آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۵ برآورد شد. در مرحله دوم پژوهش و با استفاده از رویکرد کیفی نگر، یکایک مؤلفه‌های برنامه درسی و با اتکاء بر الگوی خبرگی و نقادای آیزنر بررسی انجام شد.

برای انتخاب در مرحله کمی پژوهش، از میان تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان (۳۵۰۳ نفر)، ۲۸۳ نفر از دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، زبان و ادبیات فارسی در سه مقطع در ترم اول، چهارم و ترم آخر، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

### یافته‌ها

توزیع دانشجویان مورد مطالعه برحسب رشته تحصیلی، تعداد ترم‌های اشتغال به تحصیل و جنسیت در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. توصیف نمونه در مرحله کمی تحقیق، از حیث رشته تحصیلی، جنسیت و ترم تحصیلی

رشته تحصیلی	جنسیت	ترم اول	ترم ۴	ترم ۸	مجموع
روانشناسی	پسر	۱۱	۹	۱۲	۳۲
	دختر	۲۰	۲۴	۲۰	۶۴
مشاوره و راهنمایی	پسر	۱۲	۱۱	۱۲	۳۵
	دختر	۱۹	۱۹	۲۰	۵۸
زبان و ادبیات فارسی	پسر	۱۸	۱۷	۲۰	۵۵
	دختر	۱۵	۱۳	۱۱	۳۹
مجموع		۹۵	۹۳	۹۵	۲۸۳

علت انتخاب این سه رشته به‌طور خاص، ماهیت نسبتاً متفاوت رشته‌های تحصیلی موجود در آن‌ها از حیث ساختار دانش و مخاطبان است. در مرحله دوم مطالعه که ارزشیابی با

شیوه‌ای کیفی‌نگر است، متناسب با شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش‌ها، از نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> (غیرتصادفی) و با حجمی کمتر نسبت به مرحله کمی، بهره‌گیری شده است. چنانچه والن و فرانکل<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) و آری<sup>۳</sup>، یا کویز<sup>۴</sup> و رضویه (۱۹۹۶)، نمونه‌ای غیراحتمالی و هدفمند را برای مصاحبه و در جهت کشف علل و یا تحلیل مؤلفه‌ها مناسب دانسته و این نوع نمونه را خاص پژوهش‌های کیفی معرفی می‌کنند. همچنین برگ و گال<sup>۵</sup> (۱۹۸۹) در برخی پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با تعلیم و تربیت، نمونه‌های کوچک‌تر را مناسب‌تر از نمونه‌های بزرگ دانسته و غالباً این ادعا را در تحقیقاتی صادق می‌دانند که مصاحبه‌هایی عمیق و روش‌هایی از اندازه‌گیری که زمان‌بر هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین منظور، در مجموع سه رشته مورد مطالعه، تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان سال آخر مورد مصاحبه قرار گرفته و یافته‌های حاصل در تلفیق با دیگر یافته‌های حاصل از مشاهده رسمی و یا مشارکتی، مبنای تحلیل قرار گرفته است.

اگرچه در دسته‌بندی نظریه‌های مربوط به اعتیادپذیری، معمولاً این نظریه‌ها به سه دسته تغییر عاطفی، ژنتیک و یادگیری (محیطی) دسته‌بندی می‌شوند، اما آنچه که در قالب مؤلفه‌های برنامه درسی قابلیت مذاقه و بررسی در راستای این نظریه را داراست، در وهله اول مؤلفه‌های فشارزایی هستند که دانشجو را دچار فشار روانی و افسردگی شدید کرده و او، خود را در تعامل و سازگاری بایسته با آن‌ها ناتوان می‌بیند. دوری دانشجو از خانواده و به‌عنوان اولین تجربه زندگی مستقل، توانایی ناکافی در چالش با محتوی که خود می‌تواند برخاسته از رفتارهای ورودی ناقص دانشجو، انتظار بیش از حد استادان، ارزشیابی نادرست، انگیزه ناکافی و ناامیدی به آینده، برخی فشارهای ناشی از قوانین و مقررات سخت و... باشد، همگی از جمله مواردی هستند که می‌توانند در ارتباط با نظریه نخست (تغییر عاطفی) و در مسیر تغییر از حال بد به حال خوب مؤثر باشند. عادت نداشتن به مطالعه متناسب با دروس دانشگاهی و محنت و رنج ناشی از آن، از دیگر مواردی است که دانشجویان در مصاحبه‌های خود به آن اشاره داشته‌اند. درحالی که برخی از دانشجویان به

دلزدگی حاصل از نداشتن چالش بایسته با دروس خود اشاره می‌کنند، برخی دیگر آن را به برخورد استاد و ارزشیابی، مربوط می‌دانند.

در واقع اگرچه می‌توان عوامل مؤثر بر اعتیادپذیری را به عواملی از برنامه درسی همانند محتوی، استاد و... نسبت داد، ولی می‌توان پذیرفت که مهم‌ترین مؤلفه درون برنامه درسی، خود دانشجو است، زیرا به‌زعم فدردی (۲۰۰۳)، این ساختار انگیزشی خود انسان است که بر حسب توازن میان مؤلفه‌های هر دل‌مشغولی، آرزو و هدف می‌تواند میزان اعتیادپذیری را در او تعیین کند. بنابراین مهم‌تر از محیط، توانایی حریف‌شدن با آن است که خود به توانایی حل مسئله و یا سازگاری فرد باز می‌گردد. دیگر نظریه قابل تأمل در ارتباط با اعتیادپذیری، نظریه یادگیری (محیطی) است که به نقش یادگیری در این خصوص توجه دارد. محیط دانشجویی<sup>۵</sup> به‌خصوص محیط خوابگاهی - محیطی است که دانشجو بدون نظارت خانواده، با دیگرانی به‌سر می‌برد که برخی از آن‌ها دارای آلودگی‌های اعتیادی بوده و او در واکنش با آن‌ها و گاه برای تنها یک تجربه، در این مسیر قرار می‌گیرد.

باتوجه به آنچه گذشت، نقش مؤلفه‌های اثرگذار برنامه درسی در پیشگیری از اعتیاد مخاطبان را در جدول ۲ می‌توان خلاصه کرد:

جدول ۲. محورهای منجر به کسب تجربه ضد تربیتی

مؤلفه	محورهای منجر به کسب تجربه ضد تربیتی
دانشجو	- احساس فشار ناشی از دوری خانواده
	- احساس فشار ناشی از توانایی ناکافی در چالش با محتوی و ناشی از رفتارهای ورودی ناقص
	- انگیزه ناکافی و نومییدی به آینده
	- عادت نداشتن به مطالعه متناسب با دانشگاه
	- برداشت از دانشگاه به‌عنوان محلی برای عیش و خوشگذرانی
	- همراهی با دیگر دانشجویان (در شرایط زندگی خوابگاهی)
استاد	- میل به تجربه استفاده از مواد توهم‌زا
	- انتظار بیش از حد از دانشجویان

- ایجاد اضطراب در دانشجویان و القاء ناتوانی به آنان در زمینه موفقیت در فرآیند ارزشیابی

قوانین و مقررات  
- احساس فشار توسط دانشجو ناشی از برخی قوانین و مقررات سخت گیرانه

جدول ۳، شاخص‌های آماری مولفه‌های اثر گذار بر نامه درسی در پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی از دیدگاه دانشجویان

ردیف	عوامل	میانگین	انحراف استاندارد
۱	احساس فشار به دلیل دوری از خانواده	۲/۹۳	۱/۱۴
۲	احساس فشار ناشی از توانایی ناکافی در چالش با محتوی و ناشی از رفتارهای ورودی ناقص	۲/۸۳	۰/۹۲
۳	انگیزه ناکافی و نومییدی به آینده	۲/۹۱	۰/۹۸
۴	عادت نداشتن به مطالعه متناسب با دانشگاه	۲/۷۷	۱/۰۱
۵	برداشت از دانشگاه به عنوان محلی برای عیش و خوشگذرانی	۳/۰۲	۰/۸۷
۶	همراهی با دیگر دانشجویان (در شرایط زندگی خوابگاهی)	۳/۲۵	۰/۸۵
۷	میل به تجربه استفاده از مواد توهم‌زا	۲/۶۸	۱/۰۸
۸	انتظار بیش از حد از دانشجویان	۲/۸۶	۰/۹۲
۹	ایجاد اضطراب در دانشجویان و القاء ناتوانی به آنان در زمینه موفقیت در فرآیند ارزشیابی	۳/۱۴	۱/۰۳
۱۰	احساس فشار توسط دانشجو ناشی از برخی قوانین و مقررات سخت	۲/۸۴	۰/۹۷

با توجه به داده‌های جدول ۳، از بین عوامل یادشده، همراهی با دیگر دانشجویان (در شرایط زندگی خوابگاهی) بیشترین تأثیر و میل به تجربه استفاده از مواد توهم‌زا کمترین تأثیر را در گرایش به اعتیاد دانشجویان دارد.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی با تأکید بر نقش برنامه

درسی پنهان از دیدگاه دانشجویان در سه رشته (روان‌شناسی، مشاوره و راهنمایی، زبان و ادبیات فارسی) در ترم‌های اول، چهارم و آخر، در دو مرحله کمی و کیفی در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه گیلان انجام شد. یکی از مهم‌ترین وظایف مدارس و دانشگاه‌ها حفظ و حراست از محیط دانش‌آموزان و دانشجویان است، در واقع هدف اصلی آنان دفاع از پژوهش‌های علمی و ساختن آینده واقعی کشور رو به پیشرفت است. در حال حاضر آنچه باید در مدارس در زمینه اعتیاد مورد توجه مسئولان باشد، اقدامات عملی و هدفمند است که با یک تعامل خوب با والدین این موضوع تحقق پیدا می‌کند. برای حل این مشکل باید برای والدین برنامه‌های آموزشی خوبی در رابطه با فرزندپروری برگزار شود که تحقق این موضوع می‌تواند بسیاری از بخش‌های پیشگیری از اعتیاد در مدارس را پوشش دهد. قرار گرفتن مباحث پیشگیری از اعتیاد و مهارت‌های زندگی در کتب درسی (مدارس و دانشگاه) می‌تواند از جهات مختلف حائز اهمیت باشد. قرار گرفتن این نوع مطالب در کتاب‌های درسی باعث فراگیری و آشنایی دانش‌آموزان با این معضل اجتماعی خواهد شد. در شرایط کنونی، مبارزه با پیشگیری و درمان تنها در حوزه ستاد مبارزه با مواد مخدر انجام می‌شود. در حالی که وزارت خانه‌هایی نظیر وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فن آوری با تشکیل کارگروه‌های تخصصی می‌توانند به صورت مستقیم فعالیت‌هایی را در این زمینه داشته باشند (نارنجی‌ها، ۱۳۸۹).

آنچه طراحان و برنامه‌ریزان درسی در نظام آموزش عالی برای رشد و تربیت دانشجویان طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه درسی رسمی است. برنامه‌های درسی هدف‌های آموزشی مدون و آشکار دارد. پرسش اساسی این است که آیا مجموعه یادگیری‌های فراگیران محدود به برنامه درسی رسمی است؟ خیر. عوامل دیگری که جزء برنامه درسی نیست و از دید و مشاهده برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی پنهان است وجود دارد که بر فکر و عواطف و رفتار دانش‌آموزان اثر می‌کند و در اغلب موارد مؤثرتر از برنامه درسی رسمی عمل می‌کند. قوانین و مقررات مرکز آموزشی، جو اجتماعی مدرسه و دانشگاه، رابطه و تعامل معلم و دانش‌آموز از این عوامل هستند. اگر نظام برنامه‌ریزی



درسی رسمی و صریح آموزشی به نحوی پیام‌های پنهان را آشکار کند و تحت نظارت در آورد، می‌تواند برنامه‌های درسی پنهان را تحت پوشش بگیرد. بنابراین برنامه‌ریزان با توجه به مفاهیم جدید، باید تعمق تحلیلی بیشتری در امر فضاهای تربیتی و برنامه‌های درسی داشته باشند و بدانند تأثیرات کلاس درس بسیار عمیق‌تر از چیزی است که غالباً در برنامه درسی ترسیم می‌شود. در این میان توجه به حیطه عاطفی و بین شخصی بسیار ضروری است. همچنین تدبیر جهت ارزشیابی صحیح هم باید مورد توجه باشد. به هر حال این مفهوم درحالی که مبهم و اندازه‌گیری آن دشوار است، بسیار مهم است زیرا به اساسی‌ترین و مؤثرترین کارکردهای تعلیم و تربیت اشاره دارد.

بر اساس آنچه گذشت پیشنهادها را زیر را در طراحی برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی با توجه به برنامه درسی پنهان می‌توان مطرح کرد:  
طراحی و تدوین برنامه‌های پیشگیری باید با شرکت نمایندگان اقشار مختلف تأثیرگذار و صاحب نظر در موضوع اعتیاد (متخصصان علمی، کارشناسان نیروی انتظامی، نهادهای حمایتی، والدین و حتی خود دانشجویان) صورت پذیرد.

توجه به برنامه‌های درسی پنهان، نه تنها در فرایند طراحی و تدوین، بلکه در طی فرایند اجرا و همچنین ارزشیابی پیشگیری نیز باید مدنظر قرار گیرد.

برنامه‌های پیشگیری باید به ترغیب هرچه بیشتر دانشجویان بومی برای انتخاب رشته‌های دانشگاهی محل زندگی و اختصاص سهم بیشتر به دانشجویان بومی و یا مناطق مجاور، منجر شود.

پیشنهاد می‌شود که به ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی مدرسان در هنگام دعوت به همکاری توجه بیشتری شود. همچنین جهت افزایش حرمت خود - خودپنداره مثبت - و کرامت بخشیدن انسانی به مخاطبان نظام آموزشی تمهیداتی فراهم شود.

برنامه‌های پیشگیری باید مبتنی بر مطالعه‌های پژوهشی و شناخت همه‌جانبه‌ای باشد که قرار است برنامه در آن بستر پیاده شود.

برنامه‌های پیشگیری چنان‌چه بخواهد با توجه به برنامه‌های درسی پنهان شکل گیرد،

نمی‌تواند محصور به حدود مرزهای مدرسه و دانشگاه باقی بماند. به‌ناچار باید پا را از این مرزها فراتر نهاده و با نگاهی ملی و بلکه جهانی تنظیم شود.

هر تلاش رسمی در طراحی برنامه درسی باید توجه خویش را به تمامی ابعاد برنامه درسی پنهان معطوف دارد. چنین تلاشی به‌خصوص در تعریف هدف‌های کلی و هدف‌های رفتاری حیطه عاطفی، حیطه بین‌شخصی و فرصت‌های یادگیری که اهمیت عمده‌ای در تسهیل فرآیند اجتماعی‌شدن به‌خصوص در ارتباط با رشد اخلاقی و شخصیت‌به‌عهده دارد، مورد توجه قرار گیرد.

ارتباطات انسانی یک جنبه پراهمیت از برنامه درسی پنهان است و کارکنان مدرسه همراه با دانش‌آموزان و والدین باید ویژگی‌های این فرآیندهای تعاملی را مورد ارزیابی قرار دهند و به موضوعاتی مانند تمایز طبقه اجتماعی، گروه‌ها، تبعیض و... توجه خاص معطوف دارند.

در برنامه پیشگیری، مفاهیم بنیادی و نظری و یافته‌های عملکردی برنامه درسی پنهان از طریق دوره‌های تربیت معلم، آموزش ضمن خدمت، کارگاه‌های آموزشی و رسانه‌ها به اطلاع دست‌اندرکاران تربیتی رسانده شود. معلم و استاد باید عوامل مؤثر در برنامه درسی پنهان را شناسایی کرده و با در نظر گرفتن آن‌ها در طراحی و اجرای آموزش منطقی‌تر عمل کنند.

## منابع

- اسعدی، سیدحسین (۱۳۸۱). *پیشگیری از اعتیاد*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- اسعدی، سیدنگاره و اسعدی، سیدحسین (۱۳۸۹). *پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و روان گردان*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بروغنی، الهه (۱۳۸۹). *بررسی تأثیر برنامه درسی پنهان بر عواطف دانش آموزان ابتدایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۸). *اعتیاد و فرایند پیشگیری*. تهران: انتشارات سمت.
- بهزادی پور، ساره و همکاران (۱۳۸۹). رابطه بین معنابخش بودن زندگی با بهداشت روان و انگیزش پیشرفت دانشجویان، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- بیان فر، فاطمه؛ ملکی، حسن؛ دلاور، علی؛ سیف، علی اکبر (۱۳۹۰). تبیین اثر برنامه درسی پنهان مدارس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی به منظور ارائه مدل، *نواآوری های آموزشی*، ۹، ۱۰۰-۷۱.
- ترقی جاه، صدیقه و نجفی، محمود (۱۳۸۸). بررسی رابطه آسیب پذیری در برابر مواد و در معرض خطر خودکشی با سلامت روانی و میزان بهره گیری از اعتقادات مذهبی، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، دانشگاه شیراز.
- تقوایی یزدلی، زهرا؛ رحیمی، حمید؛ یزدخواستی، علی (۱۳۹۲). بررسی برنامه درسی پنهان دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان، *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۶، ۲۳-۱۴.
- خاقانی زاده، مرتضی؛ فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۷). الگوهای برنامه درسی دانشگاهی، *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱، ۱۱-۹.
- خدایاری فرد، محمد؛ شهابی، روح الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۸). رابطه دینداری و خودکنترلی پایین با استعداد سوء مصرف مواد در دانشجویان، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، دانشگاه شیراز.
- روحی، نفیسه (۱۳۸۳). یادگیری تعلیم و تربیت و زوایای ناشناخته برنامه درسی پنهان، *فصلنامه داخلی بسیج فرهنگیان*، شماره ۲.
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۹). *استراتژی های پیشگیری از اعتیاد*.
- سماوی، سید عبدالوهاب (۱۳۸۸). بررسی رابطه وضعیت های هویت و مصرف مواد مخدر در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مرکز بندرعباس، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان دانشگاه شیراز*.
- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۷). *راهنمای پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در دانش آموزان*. تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

- ظفر کارگریزی، مسعود و همکاران (۱۳۸۹). مقایسه راهبردهای مقابله با استرس، سلامت روان، حمایت اجتماعی، احتمال خودکشی و سوء مصرف مواد در دانشجویان بومی و غیربومی، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- علیخانی، محمدحسن (۱۳۸۳). *بررسی پیامدهای قصد نشده (برنامه درسی پنهان) محیط اجتماعی مدارس دوره متوسطه شهر اصفهان و ارائه راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه اصفهان.
- فتحی واجارگاه، کوروش و واحدچوگده، سکینه (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن، *نوآوری‌های آموزشی*، ۵؛ ۱۳۲-۹۳.
- فریدی، جعفر (۱۳۸۹). *نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان در تربیت دینی از دیدگاه دانش‌آموزان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دانشکده علوم انسانی.
- فلاح، وحید؛ بریمانی، ابوالقاسم؛ نیازآدرس، کیومرث؛ مؤتمنی، همایون و مهدوی، هیلدا (۱۳۹۱). بررسی نقش مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان بر یادگیری دانش‌آموزان در مدارس متوسطه، *فصلنامه مدیریت*، ۹، ۵۱-۴۵.
- قدم‌پور، عزت‌الله و پاریاد، رحمان (۱۳۸۸). مقایسه احتمال خطر مصرف مواد مخدر، احتمال خطر خودکشی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه لرستان برحسب جنسیت، وضعیت تأهل و نوع پذیرش (روزانه و شبانه)، *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، دانشگاه شیراز.
- کاظمی، صدیقه؛ مهram، بهروز (۱۳۸۸). کاوشی در عملکرد مدیریت آموزشی به‌عنوان مؤلفه‌ای از برنامه درسی پنهان در تربیت ارزشی دانش‌آموزان، *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۵، ۱۵۲-۱۲۹.
- کرمی، جهانگیر و همکاران (۱۳۸۹). شیوع‌شناسی مصرف مواد در بین دانشجویان و مهم‌ترین عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- کریمی، طاهره (۱۳۸۹). روش‌های پیشگیری از اعتیاد در محیط‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)، *کنگره پیشگیری اولیه از اعتیاد*، کهگیلویه و بویر احمد.
- کریمی، فاطمه (۱۳۹۱). برنامه درسی پنهان؛ تأکید بر تربیت اجتماعی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۵، ۱۳۰-۱۲۵.

- لاجوردی، سیاوش و همکاران (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های دلبستگی و گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان پزشکی، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- محمدی‌فر، محمد و همکاران (۱۳۸۹). مهارت‌های زندگی و آسیب‌پذیری نسبت به مواد در دانشجویان، *مجموعه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- محمدی، حکمت (۱۳۸۳). بررسی عوامل مرتبط با افزایش عزت نفس، خودباوری و جرأت‌ورزی دانش‌آموزان دختر دوره آموزش متوسطه استان اردبیل، طرح پژوهشی شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل.
- ملکی، حسن (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عملی)*، تهران: انتشارات مدرسه.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵). *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عملی)*، تهران: انتشارات پیام اندیشه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱). *علوم تربیتی، ماهیت و قلمرو آن*، جمعی از نویسندگان زیر نظر علمی کاردان، تهران: انتشارات سمت.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی درسی: نظریات، رویکردها و چشم‌اندازها*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نارنجی‌ها، هومن (۱۳۸۹). سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد خواب مانده‌اند، *وطن امروز*، شماره ۲۸۲.
- امینی، محمد؛ مهدی‌زاده، مریم؛ ماشاللهی‌نژاد، زهرا و علی‌زاده، مرضیه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های برنامه درسی پنهان و روحیه علمی دانشجویان، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۷، ۱۰۳-۸۱.
- تقی‌پور، حسینعلی و غفاری، هاجر (۱۳۸۸). بررسی نقش برنامه درسی پنهان در رفتار انضباطی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران و معلمان مدارس راهنمایی دخترانه شهرستان خلخال در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۲، ۶۵-۳۳.
- حاجی، سامرند (۱۳۸۷). *بررسی نقش برنامه درسی پنهان در رفتار انضباطی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس ابتدایی دخترانه مهاباد در سال تحصیلی ۸۶-۸۵*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حداد علوی، رودابه؛ عبداللهی، احمد و احمدی، امیدعلی (۱۳۸۶). برنامه درسی پنهان: پژوهشی در یادگیری‌های ضمنی مدرسه مورد مطالعه: روحیه علمی، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، صص ۶۶-۳۳.
- صالحیان، محمود (۱۳۸۹). نگاهی به معلم و برنامه درسی پنهان، *مجله رشد معلم*، ۱، ۴۸-۵۰.
- کاظمی، صدیقه و مهram، بهروز (۱۳۹۰). تأثیر ایفای نقش رهبری مدیران آموزشی بر تحول نظام ارزشی با تأکید بر رویکرد تک‌نگاشت روایی، *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، ۵، ۱۴۷-۱۲۵.

– مهram، بهروز (۱۳۸۴). نقش مؤلفه‌های برنامه درسی در اعتیادپذیری دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)، *مطالعات برنامه درسی*، ۱، ۶۲-۵۱.

- Ary, D., Jacobs, L. & Razavieh, A (1996). *Introduction to research in education*. (Fifth Ed). Florida: Rinehart & Winston.
- Fadardi, J.S (2003). *Cognitive-Motivational determinants of attentional bias for alcohol-related stimuli: Implications for a new intentional training intervention*. Unpublished Ph.D. Thesis, University of Wales, Bangor.
- Abalola, E.O., Ogunwale, A. & Akinhanmid, A (2013). Pattern of psychoactive substance use among university students in south-western Nigeria. *Journal of Behavioral health*, 2, 334-342.
- Ausbrooks, R (2000). *What is school's hidden curriculum teaching your child?*. [Online]. <www. Parentingteens.com/curriculum.shtml>.[8 Aug 2001].
- Borg, W.R, Gall, M.D (1989). *Educational research*. (Fifth edition). New York: Longman.
- Glicken, A.D., Merenstein, G.B (2007). Addressing the hidden curriculum: understanding educator professionalism. *Journal of Medical Teacher*. 29,54-7.
- Goreishi, A., & Shajari, Z (2013). Substance abuse among students of zanjans universities (Iran): A Knot of today's society. *Addict Health*, 5, 66-72.
- Lempp, H., Seale, C (2004). The hidden curriculum in undergraduate medical education: qualitative study of medical students' perception of teaching. *Journal of British Medical*. 329,770-3.
- Nikmanesh, Z., Adrom, M. & Bakhshani, N (2012). Minnesota multiphasic personality inventory score as a predictor of addiction potential in youth. *High risk behaviors and addiction*, 1, 22-26.
- Redish, E.F (2009). *The hidden curriculum, Sociology Books*: University of Maryland College Park MD. Available from: <http://www.socologyindex.com>.
- Wallen, N.E., Frankel, J.R (2001). *Educational research: A guide to the process*. (Second Edition). Mahwah: Lawrence Erlbaum Associate.